

# روایتی مدرن از ایستادگی با ریشه‌های نمایش ایرانی

در سال‌های اخیر بیشتر در حوزه تئاتر کودک و نوجوان و برنامه‌های تلویزیونی کودک حضور داشته‌ام. تلاش من همیشه این بوده که بچه‌ها را با گونه‌های مختلف نمایش ایرانی آشنا کنم. در این مسیر، در جشنواره‌های مختلفی مثل فجر و جشنواره بین‌المللی کودک و نوجوان همدان حضور داشتم و جوایزی در زمینه بازیگری، نویسندگی، کارگردانی و آهنگسازی دریافت کرده‌ام.

○ بازی برای کودک سخت‌تر است یا برای بزرگسال؟

قطعاً کار برای کودک سخت‌تر است. بچه‌ها آستانه تحمل پایین‌تری دارند و خیلی سریع واکنش نشان می‌دهند. شما نمی‌توانید مفاهیم را به شکل مستقیم و ساده‌سازی شده ارائه دهید؛ اگر همه چیز را لقمه‌چوبیده کنید، نمایش تبدیل به کلاس درس می‌شود. باید مفاهیم را در دل درام و روایت پیش ببرید، با حفظ ظرافت‌های نمایشی. در تئاتر کودک، بازیگری به مراتب پیچیده‌تر است چون باید هم گویا باشد، هم جذاب، بدون اینکه از حلاوت نمایش کم شود.

○ تا حالا واکنش کودکان وسط اجرا مسیر بازی شما را تغییر داده است؟

بله، بارها پیش آمده که واکنش کودکان بازی را به هم زده، اما مسیر احساس ما را تغییر نداده است. گاهی مجبور شدیم اجرا را متوقف کنیم، تذکر بدهیم و دوباره ادامه دهیم. بعضی مواقع هم ناچار شدیم با همان انرژی بچه‌ها پیش برویم و نمایش را به سمت تعامل ببریم. یعنی دل به دل تماشاگر بدهیم. در

امیرحسین انصافی، بازیگر:

## تئاتر کودک «پایه اول آموزش» است

امیرحسین انصافی، نویسنده، کارگردان و بازیگر

تئاتر، معتقد است تئاتر کودک برخلاف تصور رایج، یکی از تخصصی‌ترین و دشوارترین شاخه‌های نمایش است؛ جایی که به گفته او «هر کلمه و هر حرکت می‌تواند در ذهن مخاطب کودک ماندگار شود». او در گفت‌وگو با روزنامه صبا از تجربه حضور در نمایش «درخت گیلاس»، چالش‌های بازی در تئاتر کودک، اهمیت نمایش ایرانی و آیین‌هایی چون تعزیه در روایت امروز و همچنین کم‌توجهی ساختاری به تئاتر کودک و نوجوان در ایران می‌گوید.

## ○ کمی از خودتان و پیشینه هنری‌تان بگویید.

من امیرحسین انصافی هستم؛ نویسنده، کارگردان و بازیگر. در کنار این‌ها، در بسیاری از آثارم با افتخار شاعر و آهنگساز هم بوده‌ام. سال‌هاست در عرصه نمایش‌های ایرانی، آیینی و سنتی فعالیت می‌کنم و

نمایش «درخت گیلاس» به کارگردانی شراره طیار، با حضور بازیگران و هنرمندان تئاتر کودک و نوجوان، تلاش کرده است میان روایت مدرن و ریشه‌های نمایش ایرانی و آیین‌هایی چون تعزیه پیوندی تازه برقرار کند. در گفت‌وگو با عوامل این اثر، از جمله امیرحسین انصافی و فهیمه باروتچی، تئاتر کودک نه به عنوان یک سرگرمی ساده، بلکه به عنوان حوزه‌ای تخصصی، فکرپرور و اثرگذار بر ذهن و نگاه نسل امروز معرفی می‌شود؛ جایی که به جای نصیحت، پرسشگری و تجربه زیسته کودک در مرکز قرار می‌گیرد.

معصومه دهقان

گفت‌وگو



غیرمستقیم است.

○ آیا در روند تمرین یا اجرا، نگاه کودکان تغییر در نگاه شما ایجاد کرده است؟

بله، ما در گروه دائماً در حال گفت‌وگو و تحلیل هستیم. واکنش بچه‌ها همیشه برای ما مهم و اثرگذار است و گاهی باعث می‌شود خودمان هم زاویه دید تازه‌ای پیدا کنیم.

○ اگر «درخت گیلاس» قرار نبود در فضای محرم اجرا شود، باز هم همین قصه انتخاب می‌شد؟

قطعاً بله. اساساً هدف من ساخت نمایش مناسبی نبود. من این اثر را ساختم چون معتقدم کودک باید پرسشگر تربیت شود و تئاتر می‌تواند به شکل‌گیری تفکر انتقادی در او کمک کند.

○ کدام لحظه نمایش برای شما شخصی‌تر است؟

لحظه پایانی نمایش؛ جایی که پرنده‌ها متحد می‌شوند و دارکوب را از درخت بیرون می‌کنند و راوی می‌گوید: «دارکوب طوری رفت که انگار هرگز نیامده بود.»

○ برخی تصور می‌کنند تئاتر مذهبی کودک باید محافظه‌کار باشد؛ شما ققدر با این نگاه فاصله دارید؟

من فکر می‌کنم مفاهیم آیینی اگر درست اجرا شوند، سرشار از تمثیل، تشبیه و لایه‌های معنایی‌اند؛ نه یک درس مستقیم. بنابراین با نگاه محافظه‌کارانه فاصله دارم.

○ آیا تا به حال بازخوردی از کودکان داشته‌اید که نگاه شما را تغییر دهد؟

اگر منظورتان اعضای گروه است، بله. ما دائماً در حال گفتگو هستیم و این گفتگوها روی نگاه ما تأثیر می‌گذارد.

○ به نظر شما کودک امروز با دیالوگ بیشتر ارتباط می‌گیرد یا تصویر و حس صحنه؟

به نظر من کودک باید فکر کند، نه اینکه فقط آموزش مستقیم بگیرد. تئاتر باید او را درگیر کند تا خودش به برداشت برسد و نسخه شخصی‌اش را از جهان بسازد.

○ آیا مفاهیم آیینی هنوز برای کودک امروز قابل ارائه هستند؟

بله، اگر درست اجرا شوند کاملاً قابل ارتباط‌اند. مفاهیم آیینی پر از تمثیل و لایه‌های معنایی هستند و می‌توانند ذهن کودک را درگیر کنند، نه اینکه صرفاً به او درس بدهند.

○ ارزیابی شما از وضعیت تئاتر کودک و نوجوان چیست؟

تولیدات مرتبط با دغدغه‌های کودک روبه‌افزایش است، اما هنوز در بخش روش‌های آموزش تفکر و حل مسئله ضعف داریم. این حوزه نیاز به نگاه علمی‌تر و جدی‌تر دارد.

○ وضعیت کلی تئاتر کودک را چگونه می‌بینید؟

تئاتر کودک و نوجوان تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی سخت قرار گرفته است، اما با این حال نباید فراموش کنیم که این مسیر باید ادامه پیدا کند؛ چون آینده از آن کودکان است.

شراره طیار، کارگردان:

## «درخت گیلاس» روایتی مدرن با ریشه‌های تعزیه

شراره طیار، کارگردان نمایش «درخت گیلاس»، در گفت‌وگو با روزنامه صبا تأکید کرد که تئاتر کودک نباید به نصیحت و آموزش مستقیم محدود شود، بلکه باید ذهن کودک را درگیر تفکر و پرسشگری کند. او با اشاره به تجربه ساخت این اثر اقتباسی و مواجهه آن با مفاهیم آیینی و تعزیه، از تلاش برای پرهیز از مستقیم‌گویی و خلق روایتی مدرن برای مخاطب امروز سخن گفت.

○ چرا نام «درخت گیلاس» را برای نمایش انتخاب کردید و این عنوان چه نمادی در اثر دارد؟

نمایش ما اقتباسی از کتاب «چرا چرا چرا» نوشته کلر ژوپرت است؛ جایی که در داستان به درخت گیلاس و پرنده‌گانی که روی آن زندگی می‌کنند اشاره می‌شود. من در انتخاب نام تلاش کردم از مستقیم‌گویی و تکرار فضای پرسش «چرا» فاصله بگیرم.

از طرفی، به دلیل علاقه‌ام به عباس کیارستمی و پیوند نام او با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، که نمایش هم در ابتدا در آنجا تولید و اجرا شد، خواستم نامی انتخاب کنم که یادآور «طعم گیلاس» هم باشد؛ یک ادای احترام کوچک.

○ این نمایش قبلاً اجرا شده؛ در نسخه جدید چه تفاوت‌هایی ایجاد شده است؟

بله، تغییراتی در حد معمول پس از اجرای عموم و بر اساس بازخوردها اعمال شد؛ بیشتر در دیالوگ‌ها و جزئیات. اما تغییر کلی و ساختاری نداشتیم و هسته اصلی اثر حفظ شده است.

○ معمولاً گفته می‌شود بچه‌ها از نصیحت فاصله می‌گیرند؛ شما چطور از این دام دور شدید؟

من هیچ‌وقت با هدف نصیحت کردن کودکان سراغ تولید اثر نمی‌روم. تلاش من این است که زندگی را از زاویه‌های مختلف به آن‌ها نشان بدهم. این خود کودک است که باید فکر کند، برداشت کند و به نتیجه برسد؛ نه اینکه ما نتیجه را به او تحمیل کنیم.

○ در ساخت اثری با حال و هوای محرم برای کودک، از چه چیزی بیشتر نگران بودید؟

راستش از ابتدا هدف من تولید اثر مناسبی نبود. آنچه من را به ساخت این نمایش رساند، مفهوم اصلی قصه بود؛ ایستادگی در برابر ظلم. این مفهومی جهان‌شمول است. در نمایش، تنها در ابتدا و انتها به شکل مستقیم به امام حسین (ع) اشاره می‌شود، اما کل روایت درباره درخت گیلاس و پرنده‌گان و دارکوب زورگو است. فرم اجرایی اثر نیز ترکیبی است؛ روایت تعزیه‌وار دارد، اما عروسک‌ها و بازی‌ها کاملاً مدرن هستند. بنابراین اساساً از چیزی نترسیدم؛ چون نگاه من به نمایش مذهبی، نگاهی غیرشعاری و